

سیمای حضرت مولا علی علیه السلام در ادبیات کردی (حوزه جنوبی)

سیدآرمان حسینی آباریکی^۱

چکیده

سخنوران کُرد حوزه جنوبی مناطق کردنشین (ساکنان استان کرمانشاه، ایلام و مناطق لکنشین لرستان) پیوسته محبّ مولى الموحّدین حضرت علی علیه السلام بوده‌اند؛ از قرون اولیه اسلامی که زبان و ادبیات کردی دوشادوش زبان و ادب فارسی در حال شکل‌گیری بود، دوستداری اهل بیت بویژه ثنای حضرت علی علیه السلام درونمایه این سروده‌ها بوده است. عارفان کرد در قالب‌های مختلف و بیشتر به گویش معیار ادبی یعنی «گورانی»، معانی بلند عرفانی و نیز ولایت شاه مردان علی علیه السلام را به رشته تحریر درآورده‌اند.

آشنایی با این اشعار و تولید نمائنگ‌هایی به زبان کردی علاوه بر غنی ساختن اشعار مولودی‌ها و سروده‌ها به وحدت و همبستگی ملی نیز کمک می‌کند. مفاهیم والای عشق به مولى الموحّدین در میان اقوام مختلف می‌تواند پایه‌های تولید برنامه‌های مختلف در رسانه ملی شود.

کلیدواژه‌ها: حضرت علی علیه السلام ، ادبیات کردی، ادبیات کردستان، ادبیات کرمانشاه،

ادبیات ایلام، عارفان کرد

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شهید چمران اهواز arman.hosseini@yahoo.com

مقدمه

ادبیات کردی با پیشینه کهن خود، در زمینه عرفان و ادبیات تعلیمی به شدت ریشه‌دوانده‌است. نخستین سروده کردی منسوب به «پیرشهریار» نامی است که در وصف ویرانی شهرهای ایران در قرن اول هجری و تألم و اندوه حاصل از آن گفته شده است. اما پس از آن در قرن چهارم می‌توان به سروده‌های منسوب به بهلول ماهی و یارانش و در قرن چهارم به قلندریات و «عارفانه‌های بابا سرهنگ» اشاره کرد. در قرون چهارم تا هشتم هجری نیز ادبیات کردی بیشتر در عرفان عاشقانه و وحدت وجود عرض اندام می‌کند و سروده‌های باباجلیل، شاه خوشین، بابا ناوس و عارفان اورامان در قرن هفتم و هشتم از این دسته‌اند.

حبّ مولا علی علیه السلام و اولاد او در سروده‌های این دسته از شاعران که اغلب عارف نیز بوده‌اند، به‌خوبی هویدا است؛ آن‌چنان‌که یکی از مضامین رایج در ادبیات کردی جنوبی، مدح خاندان پیامبر بویژه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. در این مقاله، ابتدا به زبان کردی و گویش‌های آن و نیز گویش معیار ادبی، «گورانی» اشاره شده است، سپس سیمای حضرت علی علیه السلام در سروده‌های کردی بررسی شده است.

زبان کردی و گویش‌های آن

در مورد زبان کردی و شاخه‌های آن، پژوهشگران اظهارنظرهای گوناگونی کرده‌اند؛ برخی حتی «گری» را در شمار گویش‌های کردی آورده‌اند؛ چنان‌که رشید یاسمی نوشته است: «از حیث زبان، کردان را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: گوران، کرماج [کرمانج]، گُر و گلهر». (رشید یاسمی، بی‌تا: ۱۳۶) علی رخصزادی نیز یکی از چهار شاخه اصلی زبان کردی را شاخه «گُردی کرماشانی-گری» دانسته است. (رخصزادی، ۱۳۸۱: ۲۸۲)

استاد خانلری در کتاب ارزشمند «تاریخ زبان فارسی» نوشته است: «زبانی که کردی خوانده می‌شود، شامل گویش‌های متعددی است که هنوز با همه مطالعاتی که انجام گرفته، درباره ساختمان و روابط آنها با یکدیگر تحقیق دقیقی به عمل نیامده است. بر حسب عادت این گویش‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم می‌کنند: یکی کورمانجی که خود به دو

شعبه تقسیم می‌شود: شعبه شرقی یا مگری در سلیمانیه و شعبه غربی در دیاربکر و ارومیه و ایروان و ارزروم و شمال سوریه و شمال خراسان. گروه اصلی دیگر یا گروه جنوبی در منطقه کرمانشاه و بختیاری. (خانلری، ۱۳۵۲: ۳۸) به طور کلی می‌توان زبان کردی را به چهار گروه تقسیم کرد: ۱. کرمانجی شمالی ۲. کرمانجی جنوبی (سورانی) ۳. اورامی - زازا ۴. کردی جنوبی.

کردی جنوبی، شامل گویش‌های کلهری، لکی، کُردی کرمانشاهی، فیلی و نیز گویش‌های آمیخته از دو گویش لکی و کلهری است. میان کردی کرمانشاهی و کلهری تفاوت تنها در تلفظ برخی از واژه‌هاست و می‌توان گفت که کردی کرمانشاهی از لکی نیز متأثر شده است. ظاهر سارایی در مقدمه «دیوان غلام‌رضاخان ارکوازی» درباره زبان کردی جنوبی می‌نویسد: «کردی جنوبی در استان‌های کرمانشاه، ایلام، بخش‌هایی از استان کردستان (بیجار و قروه)، بخش بزرگی از استان لرستان (نواحی لک‌نشین) و بخش‌هایی از کشور عراق رایج است و میلیون‌ها نفر به آن تکلم می‌کنند.» (ارکوازی، ۱۳۸۶: ۹)

گویش معیار ادبی نزد شاعران کرد

گُردها تا چند دهه پیش، نوعی گویش ادبی معیار به نام «گویش گورانی» داشته‌اند. گویش گورانی پایه گویش اورامی است و واژگان لکی، کلهری، جافی، سورانی و ... نیز در آن راه یافته است. بایسته است یادآور شویم که گویش گورانی در نحو و ویژگی‌های دستوری و نیز حرف اضافه با گویش اورامی تفاوتی ندارد؛ اما در سطح آوایی متأثر از لکی و کلهری و ... است. سیدمحمدصالح ماهیدشتی از شاعران عارف کرمانشاه که به گویش کردی کرمانشاهی تکلم می‌کرده است، زبان شعری خود را «گورانی» می‌داند:

خرقه سوز نی پیر نورانی / ماورم و نظم لفظ گورانی

xerqa suze ney pire nurâni / mâvarem va nazm lafze gurâni

اسرار پیر نورانی و نیز سوز نی را در گویش گورانی به صورت منظوم درمی‌آورم.

(ماهیدشتی، ۱۳۶۸: ۱۰۶)

اغلب شاعران حوزه جنوبی ادبیات کردی، همچون ملأپریشان، خان الماس، سید فرضی، الماس خان کندوله‌ای، میرزاشفیع کلیایی، شاکه، خان منصور، تُرکه میر، نجف، ملأنیازیگ، سید مرادیگ، نورکرم، درویشقلی کردی، غلام‌رضاخان ارکوازی، سیدصالح ماهیدشتی، سیدیعقوب ماهیدشتی و ... به گویش گورانی شعر سروده‌اند.

بازتاب خصائل حضرت علی علیه السلام در اشعار

در بسیاری از اشعار سروده شده به زبان کردی، ویژگی‌های اخلاقی حضرت علی علیه السلام همچون شجاعت و دلیری، بخشش و یتیم‌نوازی ایشان مورد توجه قرار گرفته است.

۱. شجاعت مولا علی علیه السلام

احادیث بی‌شماری در شجاعت حضرت علی علیه السلام نقل شده است که در ادب کُردی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. در اینجا ابتدا به چند نمونه از دلاوری‌های مولا علی علیه السلام اشاره می‌شود و سپس نمونه‌هایی از این دلاوری‌ها در ادب کُردی بیان می‌گردد.

درباره جنگ خیبر و کشته‌شدگان به دست حضرت علی علیه السلام آمده است: حارث، رزم‌آور مغرور یهودی که نعره‌هایش به هنگام نبرد، لرزه بر اندام‌ها می‌افکند، با ضربت سهمگین حضرت علی علیه السلام بر خاک افتاد و مرحَب، که کسی توان رویارویی با او را نداشت، با شمشیر وی، دو نیم گشت. (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۳۴۲۳-۳۴۲)

مولا علی علیه السلام درباره کندن در خیبر فرموده است: «وَاللّٰهُ مَا قَلَعْتُ بَابَ خَيْبَرَ وَ دَكَّدْتُ حِصْنَ يَهُودٍ بِقُوَّةِ جِسْمَانِيَّهٖ، بَلْ بِقُوَّةِ الْهَيْبَةِ» به خدا سوگند، کندن در خیبر و ویران‌سازی دژ یهود را با توان انسانی انجام ندادم؛ بلکه با قدرت الهی بود. (همان: ۳۶۹)

در مورد عبارت «لَا فِتَى الْأَعْلَى لِالسَّيْفِ الْأَذْوَالِ الْفَقَارِ» نوشته‌اند که در جنگ أحد، حضرت علی علیه السلام چنان سخت می‌جنگید که شمشیرش شکست. نزد پیامبر آمد؛ رسول خدا شمشیری که اصل آن از منبّه‌بن حجّاج بود و در جنگ بدر کشته شده بود و اکنون در اختیار ایشان قرار داشت، به ایشان داد و حضرت علیه السلام جنگی تمام‌عیار کرد. اینجا بود که ندای

«لاسیف آلا ذوالفقار لافتی آلا علی» از زبان حضرت جبرئیل در آسمان پیچید. (محدثی، ۱۳۸۶: ذیل ذوالفقار)

در اینجا نمونه‌هایی از دلآوری‌های مولای علیه السلام در ادب کردی ذکر می‌شود:

غلام‌رضاخان ارکوازی

کشنده گوران کافران زشت شس بن دیوان بد خو، بد سرشت
košandaye gurân kâferâne zešt/ šas bane divâne bad xu bad serešt

ای کشنده گبران و کافران پلید؛ ای کسی که شست دیوان بدسرشت را بستی
دروازه خیبر کندی ژ ریشه طلب کردی شیر پی حمل نه بیشه
darvâzaye xaybar kandi ža riša/ talab kardi šir pay haml na biša

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۴)

دروازه خیبر را تو از جای کندی و شیر را از بیشه طلب کردی تا آن را حمل کند.

سیدمحمدصالح ماهیدشتی

یا علی وو دست خیبرت کنن یا علی قسم به آن دست خیبرگشایت. (ماهیدشتی، ۱۳۶۸: ۹۲)
نجات‌دهنده بنیان له بند آزادکننده غلامان چند

nejâtdahandaye banyân la band / âzâd konandaye qolâmâne čand

ای نجات‌دهنده گرفتاران از بند و ای آزادکننده غلامان چند! (همان: ۱۶۶)

ملا منوچهر کولیوند

ای دست تو در صغر سن حیّه ژ هم درّ ای سیف تو صمصام حق و سر ژ عدو برّ
ey daste to dar saqare sen hiyya ža ham derr / ey sayfe to samsâme haqq o sar ža
?adov berr

ای کسی که در خردسالی «حیّه» را پاره پاره کردی؛ ای کسی که سیف تو صمصام حقّ

بود و سر کافران را می‌برید!

ای گاه غزا غالب و ای میر غضنفر ای خسرو دین، قلعه‌گشای در خیبر
ey gâhe qazâ qâleb o ey mire qazanfar / ey xosrove din qal?egošaye dare xaybar
ای امیری که هنگام نبرد همیشه غالب بودی؛ ای میر غضنفر، ای خسرو دین و ای
قلعه‌گشای در خیبر! (همان: ۶۷)

ملاً نیازه

خیبر خراو کرد مرحب دا و کشت حیّه شکاوا و ضرب انگشت
xaybar xerâv kard marhab dâ va košt / hiyya šekâvâ va zarbe angošt
ای [امیری] که خیبر را خراب کردی و «مرحب» را هلاک نمودی؛ ای کسی که گلوی
«حیه» را با ضرب انگشت خود از هم شکافتی! (ملاً نیازه، بی‌تا: ۲۰)

۲. بخشش مولا علی علیه السلام و یتیم‌نوازی او

غلام‌رضاخان ارکوازی

کی بی پی سائل نیشث نه ترازو خیبر شکاوا و ضرب بازو
ki bi pay sâ?el ništ na terâzu / xaybar šekâwâ wa zarbe bâzu
چه کسی بود که برای سائل در ترازو نشست؟ چه کسی بود که خیبر را با زور بازوی
خود فتح کرد؟ (ارکوازی، ۱۳۸۶: ۱۰۳)

سیدمحمد صالح ماهیدشتی

شای کرم داران یا علی هانای شای کرم داران
šâyê keramdârân / yâ ?ali hânây šâyê keramdârân
ای شاه کرم‌داران! یا علی علیه السلام به فریاد برس ای پادشاه صاحبان بخشش! (ماهیدشتی،
۱۳۶۸: ۱۶۶)

محمد قاسم صفر بخش

یتیم و مسکین هر تونی رهبر / مسکینان کفیل یتیمان پدر
yatim o meskin har toni rahbar / meskinân katile yatimân pedar

تو رهنما و خرسندکننده یتیمان و مسکینان هستی؛ [آری] برای مسکینان، کفیل و برای یتیمان، پدری. (گجری، ۱۳۸۷: ۴۲)

ترکه میر آزادبخت

سر و سایل بخش کان کوی کرم / در ژ خیبر کن بخشنده درم
ای کسی که سر را به سائل بخشیدی؛ ای کان کرم؛ ای که در خیبر را از جای کندی؛
ای بخشنده درم [به مسکینان]. (همان: ۲۳۵)

۳. قسیم الجنه و النار

این عبارت از لقب‌های معروف حضرت علی علیه السلام و به معنی تقسیم‌کننده بهشت و جهنم است. در این مورد حدیث‌های بسیاری وجود دارد و آن حضرت با این وصف، مشهور بوده است و معنای آن، تأثیر محبت و ولایت علی علیه السلام در بهشتی شدن مردم در روز قیامت است. (محدثی، ۱۳۸۶: ذیل قسیم الجنه و النار)

غلام رضا خان ارکوازی

قسیم جنت نار و سقری / قسیم جنت نار و سقری
qasime jannat nâr o saqari
تو قسمت‌کننده جنت و نار دوزخ هستی. (ارکوازی، ۱۳۸۶: ۹۹)
یا قسمت نمای جحیم و جنت
ای قسمت‌کننده جحیم و جنت. (همان: ۱۰۲)

سید محمد صالح ماهیدشتی

قسمت‌کننده جحیم و بهشت / قسمت‌کننده جحیم و بهشت
qesmat konandaye jahim o behešt
(ماهیدشتی، ۱۳۶۸: ۵۲)

مَلَّامَنوچهر کولیوند

مظهر داور آغثنی، مهر پیغمبر آغثنی ساقی کوثر آغثنی، قاسم جنّات و نار
mazhare dâvar aqsani, mehre payqambar aqsani /sâqie kowsar aqsani, qâseme
jannat o nâr.

ای مظهر داور به فریاد برس؛ ای مهر پیغمبر ﷺ به فریاد برس؛ ای ساقی کوثر به فریاد
برس؛ ای قسمت کننده جنّت و نار. (گجری، ۱۳۸۷: ۷۵)

۴. علی علیه السلام یدالله

غلامرضاخان ارکوازی

wa zure bâzuy e yadollâh ?ali

و زور بازوی یدالله علی

به زور بازوی علی علیه السلام یدالله قسم! (ارکوازی، پیشین: ۹۳)

ملاحقعلی سیاهپوش

هر یه نشانه یدالهیتن

اعجازات اثبات شاهنشاهیتن

e?jâzet esbâte šâhanšâhitan/ har ya nišânaye yadollâhitan

[ای مولای من این اوصاف که گذشت]، اثبات کننده پادشاهی و نشان دهنده یدالّهی

توست. (گجری، پیشین: ۱۳۲)

درویشقلی کندی

کسی یداللهی دس داور بو صاحب ذوالفقار سیف دو سر بو

kasi yadollâhay dase dâwar bu / sâheb zolfaqâr sayfe do sar bu

آن کسی که یدالله و دست داور باشد، او صاحب ذوالفقار، آن سیف دو سر باشد.

(همان: ۲۹۳)

محمدقاسم صفربخش

علی یا علی دست کردگار امید عموم حیدر کرّار

?ali yâ ?ali daste kerdegâr / omide ?omum haydare karrâr

یا علی علیه السلام ای دست کردگار؛ ای امید عموم مردم و ای حیدر کرّار! (همان: ۳۰)

۵. ساقی کوثر

در حدیثی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پنج ویژگی برای حضرت علی علیه السلام برشمرده است که یکی از آنها ایستادن کنار حوض کوثر و سیراب ساختن کسانی از امت است که بشناسد: «أَمَّا الثَّالِثَةُ فَوَاقِفٌ عَلَى عَقْرِ حَوْضِ يَسْقِي مَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّتِي» (بحارالانوار: ۲۱۹)

غلامرضاخان ارکوازی

مجموعه‌ای مخلوق و نم برامن یا ساقی کوثر میل شفامن

majmu?ey maxluq va nem berâman / yâ sâqi kaowsar mayle šafâman

مجموعه مخلوقان نسبت به من نامهربان و بی‌رحم هستند؛ امید خلاصی من به توست

ای ساقی کوثر! (ارکوازی، پیشین: ۹۷)

دشوارتر نین ژ قاپی خیبر یا غوث‌الغالب یا ساقی کوثر

došwârter niyan ža qâpi xaybar / yâ qaws-ol- qâleb yâ sâqi kawsar

[خلاصی من از زندان] دشوارتر از کندن در خیبر که نیست؟ یا غوث‌الغالب و ای

ساقی کوثر [به فریادم برس]. (همان: ۱۰۸)

سیدمحمدصالح ماهیدشتی

تو ساقی کوثر شراباً طهور تو ساقی کوثر شراباً طهور

to sâqi kaowsar šerâban tahir

تو ساقی کوثری که شراب طهور را می‌چشانی! (ماهیدشتی، همان: ۱۶۶)

محمدقاسم صفربخش

نومیدم نکى شاه نیکو فر میر باعزت ساقى کوثر

naowmidem nakay šâhe nikufarr / mire bâ ezzat sâqiye kawsar

نا امیدم نکن ای شاه نیکو فر؛ ای میر باعزت و ای ساقى کوثر! (گجری، پیشین: ۴۰)

ملامنوچهر کولیوند

تبارک افسرن علی، شفیع محشرن علی قسیم کوثرن علی، ژ جود و اژ عطا وتى
tabârak afsaran ?ali, šafiy?e mahšaran ?ali, qasime kaowsaran ?ali, ža judo až
?atâ wetei

فرخندگی افسر، به علی علیه السلام است؛ شفیع محشر علی علیه السلام است؛ قسیم کوثر، علی علیه السلام
است؛ این سخنان را خداوند از روی جود و عطایش گفت. (همان: ۵۸)

ای خیل صفا روژ جزا هادی و رهبر ای میر هدی، جرعه ده و ساقى کوثر
ey xayle safâ ruže jazâ hâdiy o rahbar / ey mire hodâ jor?a deh o sâqiye kaowsar
ای سرور گروه باصفایان، ای که در روز قیامت هادی و رهبری؛ ای میر هدایت و ای
ساقى کوثر! (همان: ۶۷)

امان‌الله خان رشیدی

و اِلَّا علی دس داورن وژ قسام جام حوض کوثرن
va ellâ ?ali dase dâvaran / vež qesâme jâm haowze kaowsaran

مگر جز این است که علی علیه السلام یدالله است، [آری] خود آن حضرت قسمت‌کننده جام
طهور از حوض کوثر است. (همان: ۱۹۶)

ترکه میر آزادبخت

ساقى جرعه‌بخش حوض کوثر می sâqi jor?a baxše haowze kaowsar may

ای ساقى جرعه‌بخش می حوض کوثر! (همان: ۲۳۵)

ولی محمد امیدی

ایمه شیعیان شافع محشریم شاگرد ساقی باده کوثریم
ima šiyân šafe? mahšarim / šâgerde sâqi bâdaye kaowsarim

ما شیعیان شافع محشر هستیم؛ ما شاگردان ساقی کوثریم. (امیدی، ۱۳۸۷: ۳۴)

۶. شافی بیماران و مشکل گشا

غلامرضاخان ارکوازی

ای حاضرالوقت جار هانایی تو دسگیر دست ناتوانایی
ey hâzerolvaqt jâre hânâei / to dasgire dast nâtavânâei

ای حاضرالوقت فریادکنندگان؛ ای که دستگیر دست افراد ناتوان هستی! (ارکوازی، پیشین: ۹۴)

یا علی هانای فرد فریادرس برس و هانای درمنه بی کس
yâ ?ali hânây farde faryâdras / beras wa hânây darmanay bi kas

یا علی علیه السلام فریادرس به داد برس، به داد این درمانده و بی کس
اگر ژی دم دا رسیت و هانام ور نه نمئن تاو و توانام
agar žay dam dâ rasit wa hânâm / var na namanan tâv o tavânâm

اگر اکنون به دادم نرسی، دیگر تاب و توانی برایم نخواهد ماند
ار مشکل گشا کسی هنی هس تا بچم دامان او بگرم و دس
ar moškelgošâ kasi hani has / tâ bečem dâmân aw begrem va das

جز تو اگر کسی دیگر مشکل گشاست، بگو تا دست به دامن او شوم؟ (همان: ۹۶)

فارغ

درمان دردان یا علی تونی درمان دردان
darmâne dardân/ yâ ?ali toni darmâne dardân

یا علی علیه السلام تو درمان کننده دردها هستی. (درویش فارغ، بی تا: ۴۶)

سید محمد صالح ماهیدشتی

مشکل گشایی یا علی هانا مشکل گشایی

moškelgošâei / yâ ?ali hânâ moškelgošâei

تو مشکل گشا هستی؛ یا علی به فریاد برس که تو مشکل گشایی. (ماهیدشتی، پیشین: ۹۲)

جار هانا من یا علی هاوار یا لافتی الاعلی سیف الا ذوالفقار

jâre hânâ man yâ ?ali hâvâr / yâ lâ fatâ sayf ellâ zolfaqâr

این فریاد دادخواهی من است ای مولای من، علی علیه السلام؛ یا لافتی اَلَا علی لا سیف اَلَا

ذوالفقار (همان: ۱۶۶)

محمد قاسم صفربخش

ژی گیج گرداو نجاتم بدر میر با عزت ساقی کوثر

žay gije گرداو nejâtem bedar / mire bâ ezzat sâqiye kaowsar

ای میر با عزت و ای ساقی کوثر، مرا از این گرداب غم و غصه نجات بده. (گجری،

پیشین: ۴۱)

ملامنوچهر کولیوند

خسرو خوبان علین، درد را درمان علین سرور مردان علین، حیدر دلدل سوار

xosrove xubân ?aliyan, dard râ darmân ?aliyan / sarvare mardân ?alian, haydare

doldol suâr

خسرو خوبان علی علیه السلام است؛ درد را درمان علی علیه السلام است؛ سرور مردان علی علیه السلام است،

[آن] حیدر دلدل سوار. (همان: ۷۴)

۷. علی علیه السلام وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله وصایت را برای علی علیه السلام رقم زده است، چنان که می فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيًّا

و وارثاً، و إِنَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَ وارثي» بی گمان هر پیامبری وصی و وارثی دارد و علی، وصی و

وارث من است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۴۹۷)

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در حجه الوداع، در روز «غدیر خم» ضمن خطبه‌ای مفصل درباره علی بن ابیطالب علیه السلام او را مولای مردم دانست و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ». (محدثی، ۱۳۸۶: ذیل مولی)

غلام رضاخان ارکوازی

منشی چوار کتاو مفتی چوار دفتر وصی مصطفی وکیل داور

monši čowâr ketâv mofti čowâr daftar / vâsie mostafâ vakile dâvar

منشی چهار دفتر، فتوادهنده چهار دفتر و نیز وصی مصطفی صلی الله علیه و آله و وکیل داور [علی علیه السلام]

است. [ارکوازی، پیشین: ۹۳]

yâ xalifay haq ruye xome qadir

یا خلیفه حق روی خم غدیر

ای خلیفه بر حق در روز غدیر خم! (همان: ۱۰۹)

سید محمد صالح ماهیدشتی

له قول احمد ماورم شاهد انا و علی من نور واحد

la qaowle ahmad mâvarem šâhed / ana-vo-?ali men nure vâhed

من از قول حضرت محمد صلی الله علیه و آله شاهد می آورم که فرمود: أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ نَوْرِ وَاحِدٍ.

(ماهیدشتی، ۱۳۶۸: ۵۱)

ملائنوچهر کولیوند

غازی خیبرگشا و صدر شیر خدا جانشین مصطفی و حیدر دلدل سوار

qâziye xaybar gošâ vo sadre šire xodâ / jânešine mostafâ vo haydare doldol suâr

ای غازی خیبرگشا و ای صدر و شیر خدا؛ ای جانشین مصطفی و ای حیدر دلدل سوار.

پشت پشٹیبان احمد حامی دین محمد او تقی نیک، او شقی بد دوستان را غمگسار
pešte peštibâne ahmad hâmiye dine mohammad/ aw taqi nik aw šaqi bad dustân
râ qamgosâr

ای پشت پشٹیبان احمد؛ ای حامی دین محمد؛ ای که با پرهیزکاران نیکی می‌کنی و
با دشمنان بدی می‌نمایی و غمگسار دوستان هستی! (گجری، ۱۳۸۷: ۷۳)

ملارضا کندوله‌ای

به حق علی مولای مؤمنین وصی رسول او پیشوای دین
ba haqqe ?ali maowlây momenin / vasiyye rasul uw pišvâye din

به حق حضرت علی علیه السلام که مولای مؤمنان است و وصی رسول صلی الله علیه و آله - آن پیشوای دین -
می‌باشد. (همان: ۱۶۱)

ولی محمد امیدی

قافله‌سار رای غدیر خم یادگاری عدل عاد ابراهم
qafela sârê rây qadire xom / yâdegâri ?adel ?âde ebrâhom

قافله‌سالار راه غدیر خم و یادگار عدل عهد ابراهیم علیه السلام بود
حجاجان شاهد چن هزاران کس محمد، علی گرتی و رو دس
hajâjân šâhed čan hezârân kas/ mohammad, ?ali gerta va ru das

چند هزار نفر از حاجیان شاهد بودند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را
بالا برد و گفت

وات علی ارکان دنیا و دینمه خدا وتیه جانشینمه
vât ?ali arkân donyâ va dinema / xodâ veteya janešinema

حضرت علی علیه السلام ارکان دنیا و دین من است و خداوند فرموده که او جانشین من است.
مولای هر کسم، علیش مولایه علی شای عالم هر دو دنیایه
maowlâye har kasem ?ališ maowlâya / ?ali šây ?âlam har do donyâya

من مولای هر که هستم، حضرت علی علیه السلام نیز مولای اوست؛ علی علیه السلام شاه هر دو
دنیاست. (امیدی، ۱۳۸۷: ۶۷)

جمع بندی

کردی جنوبی اصطلاحی است که به گویشوران لک، کرد کرمانشاه، کلهر و فیلی و نیز لهجه‌ها و گویش‌های آمیخته از این گونه‌ها اطلاق می‌شود. جالب توجه است که تغییر گویش مردمان کرد، به‌منزله تغییر مذهب نیز هست؛ چرا که مناطق کردنشین حوزه جنوبی عمدتاً شیعیان حضرت علی علیه السلام هستند که به گویش‌های یادشده تکلم می‌کنند.

نکته حایز اهمیت و درخور توجه این است که بیشتر سخنوران کرد مناطق یادشده، به گویشی معیار به نام «گورانی» که چارچوب و بن‌مایه آن گویش اورامی است، طبع‌آزمایی کرده‌اند؛ هر چند کسانی چون ملّامنوچهر کولیوند به گویش لکی سخن‌سرایی کرده است و زبان شعری سیدمحمدصالح ماهیدشتی، گورانی معیار نیست و بسیاری از افعال و حروف اضافه لکی و کلهری در آن راه یافته است.

در زبان کردی، در شعرهایی که به صورت هجایی سروده شده‌اند، بلند یا کوتاه بودن هجا مدنظر نبوده است و تنها به تساوی هجاها توجه می‌شود. نکته دیگر اینکه، مصراع اول بیت مطلع، به صورت نیم‌مصراع و در پنج هجا سروده می‌شود؛ این ویژگی، مختص تمام منظومه‌هایی است که به گویش گورانی - گویش ادبی معیار نزد گردان - سروده شده‌اند. نزد شاعران کرد، رسم بر این بوده است که مصراع اول بیت مطلع را به شکل «نیم‌مصراع» می‌آوردند و آن نیم‌مصراع - و یا حداقل قافیه - را برای تأکید، در مصراع دوم تکرار می‌کردند.

شاعران کرد حوزه جنوبی پیوسته در ثنای مولا علی علیه السلام داد سخن داده‌اند و مدح آن حضرت در کنار مدح حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز اولاد گرانقدر ایشان یکی از درونمایه‌های سروده‌های آنان بوده است. شاعران گاه از شجاعت و گاه از کرم و سخاوت مولا علی علیه السلام یاد کرده‌اند و همواره احادیث نبوی و نیز سخنان گهربار مولای متقیان علیه السلام را به زبان مادری خود با احساس و شور و حال عرفانی عجین ساخته‌اند و شاهکارهایی در ادب کردی خلق کرده‌اند. هرگاه نیز در تنگنا بوده‌اند، دست به دامن مقتدای خود شده و او را شفیع قرارداده‌اند؛ آری دوستداری اهل بیت علیهم السلام بویژه حبّ مولا علی علیه السلام نگین ادبیات کردی جنوبی است.

منابع

۱. ارکوازی، غلامرضاخان (۱۳۸۶) **دیوان اشعار**، تصحیح و ترجمه ظاهر سارایی، چ ۲، ایلام: ایلام.
۲. امیدی، ولی محمد (۱۳۸۷) **دیوان**، به کوشش یاسر سنایی، ایلام: رامان.
۳. خانلری، پرویز (۱۳۵۲) **تاریخ زبان فارسی**، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۴. درویش فارغ (بی تا) **دیوان**، نسخه خطی و دستنویس.
۵. رخزادی، علی (۱۳۸۱) «پژوهشی زبان‌شناختی در تبیین هویت زبان کُردی»، **مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، زبان و زبان‌شناسی**، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
۶. رشید یاسمی، غلامرضا (بی تا) **کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او**، چ ۳، تهران: ابن‌سینا.
۷. کاکاوند، شاهرخ (بی تا) **دیوان**، نسخه خطی و دست‌نویس.
۸. گجری، امین (۱۳۸۷) **از بیستون تا دالاهو**، تهران: نشر مه.
۹. ماهیدشتی، سیدمحمدصالح (۱۳۶۸) **کنز‌العرفان**، تصحیح محمدعلی سلطانی، کرمانشاه: سلطانی.
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴.ق) **بحارالانوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۱. محدثی، جواد (۱۳۸۶) **فرهنگ غدیر**، چ ۳، قم: نشر معروف.
۱۲. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶) **دانشنامه امیرالمؤمنین**، ۱۴ جلد، قم: دارالحدیث.
۱۳. ملانیازه (بی تا) **دیوان**، نسخه خطی و دست‌نویس.